

جهان فردا

اگر من جای ظریف بودم

کوشش

نمی توان به پاکستان دل بست



پیر محمد ملازهی

کارشناس امور پاکستان

رابطه تهران و پاکستان مانند هوای گرگومیش است، نه آنقدر روشن و شفاف که بتوان به سادگی آن را تحلیل کرد و نه آنقدر تیره و تار که همه درها به‌روی دیپلماسی بسته باشد، گاهی فضای دیپلماسی آنها گلستان است و گاهی خشم دو طرف بر انگيخته می‌شود، البته این طرف ایرانی است که همواره به سیاست‌های اسلام آباد گلایه دارد.

مقامات ایرانی می‌گویند پاکستانی‌ها اهمال‌کاری می‌کنند و نمی‌توان هیچ‌گاه به پاکستان دل بست.دو واقعیت اساسی در رابطه بین ایران و همسایه قدیمی‌اش وجود دارد. اولیسن موضوع قاچاق مواد مخدر است. مرزهای طولانی ایران و پاکستان و همچنین افغانستان باعث شده تا کار تل‌های مواد مخدر مسیر ایران را به‌عنوان دست‌رسی به اروپا همواره در نظر داشته باشند، ایرانی‌ها همیشه در ملاقات‌هایشان با مقامات این دو کشور می‌گویند، مرزهای پاکستان کنترل جدی نمی‌شود و همین باعث شده است که ایران هز پنه زبادی را برای کنترل و مبارزه بامواد مخدر متحمل شود. موضوع دوم گروه‌های رادیکال اسلامی است. صبح که در کراچی یا کوئته از خواب بیدار می‌شوی باید منتظر یک بمبزه باشی تا یک انفجار انتحاری

روی ندهد یا شهروندی گروگان گرفته نشود، تارکش‌های این گروه‌ها به ایران نیز برخورد می‌کند. این گروه‌های تندرو محل اختلاف ایران و پاکستان است، اما مسئله محمد جواد ظریف آن است که در دو سوی میز مذاکره فقط این دیپلمات‌ها نیستند که تصمیم گیر هستند. در پاکستان ارتش ادعا می‌کند که به دنبال ایجاد تنش بین دو کشور نیست، اما در هسته مرکزی ارتش همواره نقشه‌های درگتاش اجرا می‌شود؛ گروه‌های معارض ایران در قلب بلوچستان و وزیرستان در حال تنفس هستند و با وجود آنکه پاکستانی‌ها اعتقاد دارند به کوه‌ها و دشت‌های آن مناطق دسترسی ندارند، برای همین بین دو کشور همه‌چیز به دیپلماسی ختم نمی‌شود، اما این راه هم باید در نظر گرفت که دو کشور در سازمان همکاری و تولیدات کالاها یکی‌سانی دارند که نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای همدیگر باشند. مخصوصاً تجارت هر کدام در درون آکو بسیار ضعیف است و تجارت‌شان باکشورهای خارج از منطقه مانند اروپا و شرق آسیا سازماندهی شده است، اما به لحاظ سیاسی و امنیتی به

نظر می‌رسد که زمینه‌های زیادی وجود دارد که با هم همکاری کنند. منتها یک بحثی که وجود دارد و منفی است وضعیتی است که در خاورمیانه شکل گرفته است. با پیغام‌هایی که پاکستان به عربستان سعودی داده و پاکستانی‌ها معطرب است ائتلاف‌هایی که شکل می‌گیرد یا می‌تواند شکل گیرد به گونه‌ای است که به اصطلاح جنبه ایدئولوژیک هم پیدا کرده است. یعنی کشورهای اهل سنت در یک گروه هستند و کشورهای شیعه مذهب در کنار ایران در یک قسمت قرار گرفته‌اند و در بعد بی‌المللی بعضی کشورها به روسیه هم نظر می‌رسد که ضرورت‌ها و نیاز‌های دو کشور به‌خصوص در ارتباط با فرقه گرایی و رشد گروه‌های رادیکال هم پاکستان و هم ایران را دچار مشکل کرده است. این مشکلات راه حل کوتاه مدت ندارد. محمدجواد ظریف باید طرح‌های جدیدتری را روی میز قرار دهد. این روزها پاکستانی‌ها اشتیاق به طرح‌های جدید دارند.

راهبرد



کیم سنگونگنا

تحلیلگر

به گفته هانس بلیکس، رئیس اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، میان آنچه در عراق می‌گذرد و رد توافق هسته‌ای توسط ترامپ پیوندهایی وجود دارد.

هانس بلیکس با یادآوری دوران ریاست‌جمهوری جرج بوش مدعی است در زمان بوش جنگ علیه عراق، خواسته جمعی هیات دولت بوش بود، حال آنکه در دوران ترامپ، شاهد چنددستگی آرا و دیدگاه‌های محافظه‌کار در میان هیأت دولت هستیم. وی در توضیح ادعای خود چنین می‌گوید:

پیامدهای خطر آفرین سیاست خارجی دونالد ترامپ

«آمریکا در آن زمان خواستار جنگ بود؛ اما در حال حاضر وضعیت به‌گونه دیگری است. حالا آمریکا جنگ‌طلب نیست، اما ادبیاتی که ترامپ به کار می‌گیرد، نگران‌کننده است. ترامپ در مورد کره‌شمالی الفاظی به‌کار می‌برد که ممکن است خطر آفرین باشند، و حاضر نیست سخنان اعضای اتحادیه اروپا مبنی بر وفاداری ایران به مفاد توافق هسته‌ای را بپذیرد.»

رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، جیمز متیس، وزیر دفاع، و اچ.آر. مک‌مستر، مشاور امنیت ملی کاخ سفید همگی ترامپ را وادار کردند که توافق هسته‌ای ایران (برجام) را رد نکنند. متحدین اروپایی نیز تأکید داشتند تهران به تعهدات خود پایبند بوده‌است. این درحالی‌است که نتایجاو در اتخاذ تصمیمات

کانال های ارتباط با آمریکا برقرار است؟

اعلام پایان مذاکره مستقیم



تمایز تلفنی باراک اوباما و

حسن روحانی در جریان

سفر قبلی رئیس‌جمهور به

سازمان ملل متحد. اولین

ارتباط رسمی دو کشور پس

از نزدیک به ۴ دهه. در آن

لحظه روحانی پس از

سخنرانی در مجمع عمومی

سازمان ملل یا تومیل در

حال رفتن به فرودگاه برای

بازگشت به ایران بود.

● عکس: پت سوزا//

کاخ سفید

● مرتضی سیمیماری

روزنامه‌نگار

لیموزین مشک‌رنگ در وسط باند فرود گاه متوقف می‌شود. او با این جمله مکالمه‌اش را تمام می‌کند: «روز خوبی داشته باشید آقای رئیس‌جمهور.» آن سوی خط باراک اوباما ۱۵ دقیقه با او گفت‌وگو کرده و فردای آن روز نیویورک تایمز می‌نویسد: «معجزه بزرگی روی داد.» حسن روحانی به صورت مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا گفت‌وگو می‌کند. این برای اولین بار بود که انقلابی‌ها در بالاترین رده دیپلماتیک با آمریکایی‌ها گفت‌وگو کردند، آن هم نه در کاخ سفید بلکه در فرودگاه جان اف کندی؛ در تهران غوغایی به پا می‌شود و مخالفان روحانی می‌گویند: «تهران تسلیم شد.» اما علی‌الراجائی از حسن روحانی قدر دانی می‌کند. نتیجه همه ارتباطات رسمی و غیررسمی ایران و آمریکا برجام بود، حتی برخی خبر از بروز مستقیم از تهران به واشنگتن دادند، اما انگار قرار نبود ماسل از تباط زدنیک، طولانی باشد. وقتی ترامپ پایش به کاخ سفید باز شد منتظر ایرانی‌ها گفت: «دیگر اوبامای مهربان رفته است و برجام یک معامله ضعیف برای آمریکاست.» از تهران ترامپ پاسخ گرفت: «اگر برجام پاره شود، ایران به سرعت به نقطه اول قبل از تفاهم بازمی‌گردد.»

دوئل مستقیم

آن‌ها به‌شدت پاسخ‌بیدگردد را در آخرین نشست عمومی مجمع سازمان ملل داده بودند، روحانی سخنان ترامپ را دور از شان سازمان ملل خوانده بود و در آن سو ترامپ نیز ایران را متهم به فعالیتهای بی‌ثبات‌کننده کرد. دوئل کلامی شدید و پرتنش بین روحانی و ترامپ روابط را به شدت تیره و تار کرده بود و هیچ‌س فکر نمی‌کرد ترامپ با یک پیشنهاد شگفت‌انگیز همه را اغافلگر کند و از روحانی بخواهد که او را دیدار کند. پاسخ رئیس‌جمهور ایران مشخص بود. سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید روحانی نپذیرفته با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کند. شاید این دیدار می‌توانست فرصتی تاریخی برای بستن ارتباط از نوع نزدیک باشد، اما این روزها ایرانی‌ها به طرف آمریکایی اعتماد ندارند. برای همین وقتی ترامپ در نطق خود مستقیم ایران را مورد خطاب قرار می‌دهد، روحانی به سرعت پاسخ داد: «چنان‌این واقعه در شهر تهران پیچیده بود که گوئی هر که شنیده بود، به سوی سفارت راه افتاده بود. مردم از نقاط مختلف شهر، تا شب می‌آمدند. از شب تا صبح، فردا، پس فردا، هفته اول، هفته دوم و…» اما قرار نیست همیشه در سفارتخانه بسته بماند؛ تلاش‌ها از دو سو شروع می‌شود. این بار آلمانی‌ها وارد می‌شوند. ریزل سفیر آلمان در تهران با صادق طباطبایی تماس می‌گیرد و می‌گوید کوشش در صورت صادقانه به دنبال حل مسئله گروگان‌ها است، مرد خوش‌چهره انقلابی روبه‌روی آلمانی‌ها می‌نشیند؛ مذاکرات موفقیت‌آمیز نیست. کار تر پیام می‌دهد

رابطه در پاریس

«همایند زبسکار دستن آمد و گفت آقای کارتر

ترامپ علیه ایران نقش چشمگیری داشت. نکته جالب توجه این است که کارشناسان نظامی اسرائیل و حتی موساد بر این باورند که ایران تعهدات خود را نقض نکرده‌است.

همچنین عربستان سعودی که رهبرانش سنی هستند و در تعارض ستیزه‌جویانه‌ای علیه ایران شیعی به‌سمر می‌برند، تقویت روابط ایران با جامعه بین‌المللی را نمی‌پسندند. اولیسن دیدار خارجی ترامپ بعد از پیروزی در ریاست‌جمهوری، سفر او به عربستان بود که در آن علیه ایران اظهاراتی کرد و ایران را به نقض قوانین متهم کرد.

فارغ از این دیدگاه‌های خارجی، می‌توان شاهد فشار داخلی از سوی راست‌گرایانی چون استیو بنون، استراتژیست سابق ترامپ، بود. اما باز هم تکرار می‌کنم، نتایج‌ها و نمایندگان یهودی راست‌گرا

که می‌خواهد به صورت مستقیم مذاکره کند، اما تهران روی خوش نشان نمی‌دهد.

مذاکره در الجزایر

خرداد ۵۹ امام حل مسئله گروگان‌ها را به مجلس سپرد. قرار شد دولت شکل اجرایی به این ماجرا بدهد. برای همین شهید رجایی و بهزاد نبوی برای مذاکره به الجزایر می‌روند. کانال عربی کارش را به خوبی انجام می‌دهد، اما در تهران مجلسی‌ها مذاکره کنندگان را متهم به اهمال‌کاری می‌کنند. سه روز بحث داغ در مجلس بر سر شیوه آزادی گروگان‌ها بین نمایندگان شکل می‌گیرد. نهضت آزادی تمایل به دریافت غرامت دارد، اما برخی در مجلس می‌گویند: «بهتر است رادیو تلویزیون آمریکا به صورت مستقیم در اختیار انقلابی‌ها قرار بگیرد تا با مردم آمریکا به صورت مستقیم گفت‌وگو کنیم.» روز پنج‌شنبه پانزدهم آبان ۱۳۵۹ آخرین جلسه علنی مجلس بود، قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که قرار بود روز یکشنبه نهم نوامبر ۱۹۸۰ بر گزار شود. همه شرایط برای تمام کرد موضوع فراهم شده بود. قرار غیررسمی آن بود که روز پنج‌شنبه بیانیه الجزایر به تصویب نمایندگان مجلس برسد و روز جمعه گروگان‌ها از تهران به پایگاه آمریکایی‌ها در آلمان منتقل شوند و همان روز یا حداکثر روز شنبه آقای کارتر از گروگان‌های آزادشده در کاخ سفید استقبال کند و در حقیقت با این برگ برنده پیروزی خویش بر رونالد ریگان را قطعی کند. ۲۷ نفر از نمایندگان فراکسیون نانووشته جوانان مجلس در یک هماهنگی رقم خورده است. کارتر خودش را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آماده می‌کند که خبر می‌رسد سفارت آمریکا به دوستان دانشجویان انقلابی افتاده است. همه راه‌ها برای گفت‌وگوی مستقیم بین کارتر و مقامات ایرانی به بن‌بست خورده است، ایرانی‌ها می‌گویند که این سفارتخانه محل جاسوسی است؛ البته کینه تاریخی نسبت به سقوط دولت مصدق و دخالت آمریکایی‌ها در کودتا باعث می‌شود که حرف‌های مهدی بازرگان، نخست‌وزیر وقت، هیچ خریداری نداشته باشد. از دور و نزدیک، همه در اطراف سفارت جمع می‌شوند و حتی هنرمندان شاغل در زمان پهلوی نیز با پلاکاردهایی جلوی سفارت جمع می‌شوند و از اقدام دانشجویان حمایت می‌کنند. موسوی خوئینی‌ها می‌نویسند: «چنان‌این واقعه در شهر تهران پیچیده بود که گوئی هر که شنیده بود، به سوی سفارت راه افتاده بود. مردم از نقاط مختلف شهر، تا شب می‌آمدند. از شب تا صبح، فردا، پس فردا، هفته اول، هفته دوم و…» اما قرار نیست همیشه در سفارتخانه بسته بماند؛ تلاش‌ها از دو سو شروع می‌شود. این بار آلمانی‌ها وارد می‌شوند. ریزل سفیر آلمان در تهران با صادق طباطبایی تماس می‌گیرد و می‌گوید کوشش در صورت صادقانه به دنبال حل مسئله گروگان‌ها است، مرد خوش‌چهره انقلابی روبه‌روی آلمانی‌ها می‌نشیند؛ مذاکرات موفقیت‌آمیز نیست. کار تر پیام می‌دهد

نقشی مهم در تصمیم ترامپ داشتند. در آمریکا افرادی چون جان بولتون سال‌هاست که دولت را به رفتاری محافظه‌کارانه درساره ایران ترغیب می‌کنند. بولتون در سال ۲۰۰۳ تنها کسی بود که می‌گفت آمریکا در خصوص عراق باید تجدیدنظر کند. اما هنوز کسانی هستند که مخالف با ایران را در رأس سیاست‌های خارجی خود قرار می‌دهند و عواقب این مخالف‌خوانی‌ها جای‌نگرانی دارد.

اما تنها جمهوری خواهان نیستند که ساز مخالف می‌زنند؛ دموکرات‌ها نیز ید طولایی در این دست دخالت‌ها دارند. جسان کری یک استثنا بود که توانست توافق هسته‌ای با ایران را محقق کند، اما او هم در ابتدا برای رفع مسائل روسیه، راه‌حل نظامی پیشنهاد می‌کرد.

اوباما سیاست‌های خارجی را تغییر داد. او تلاش کرد از درگیری‌های افغانستان پرهیز کند و بعد از حملات شیمیایی در سوریه از عملکرد نظامی در این کشور نیز روی گردان شده؛ اما ترامپ در تلاش است

هر آنچه اوباما رشته کرده بود، پنبه کند. امیدوارم در رابطه با ایران کنش غیرمقولی از او سر نزنند.

ما پیگیر انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری در ایران بودیم، و شاهدیم توافق هسته‌ای مخالفت‌هایی را برانگیخته است. رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی، از سوی تندروها در مظان اتهام قرار گرفته که با برجام امنیت ایران را به مخاطره انداخته‌است؛ این تندروها ادعای می‌کنند غرب با روی تعهداتش خواهد گذاشت. سقوط برجام به‌زعم ایشان امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما ایران کشور پویایی است و زندگی در آن جریان دارد. لازم‌است به اصلاح‌طلبان فرصت داده شود تا تغییرات مسالمت‌جویانه‌ای اعمال کنند تا موقعیت‌شان تضعیف نشود. امیدوارم ترامپ توصیه‌های اعضای هیأت دولتش را به گوش بگیرد و با متحدین اروپایی و سازمان ملل هم‌سو شود.»

منبع: پایگاه اینترنتی خبرگزاری ایندپیندنت

افشا می‌شود. در مجلس حسینی سیر چانی، جلال‌الدین فارسی، نیکروش، سعیدمحمد خامنه‌ای – موسویانی، نجفی رهنائی، فهیم کرمانی و اسرافیلیان. به‌شدت به وزیر خارجه ولایتی حمله می‌کنند و اعلام می‌کنند که اگر پاریس به شرودر گفته بود که در حل مسئله هسته‌ای ایران فقط اروپا نقش ندارد، دیگران نیز هستند. او در حالی که به سمت آسانسور حرکت می‌کند به اطر افیانش گفت: «ما اینجا نتیجه نمی‌گیریم باید با رئیس اینها مذاکره کنیم.» صدراعظم آلمان به سمت او می‌رود و می‌گوید در این راه عجله نکنید. منظور روحانی دیگران آمریکایی‌ها بود، هر چند روحانی سال‌ها از میز مذاکره دور شده بود، می‌دانست او با همین شعار وارد انتخابات شد و سال ۹۲

به پیروزی رسید. جوع به دیپلماسی برای انقلابی‌های سابق شش‌یرین بود، زیرا با کمترین هزینه خطر جنگ از سر ایران برداشته شده بود، شیخ دیپلمات، با ظاهری آرام و چهره‌ای جذاب توانسته این روزها میان شرکای قدیمی یعنی اروپا و آمریکا فاصله بیندازد، این بار زبانه‌های دیگر آمریکایی‌ها برای گفت‌وگوی مستقیم را رد کرده است. کسی نمی‌داند او این روزها در پاستور به چه چیزی فکر می‌کند. تندروها در تهران بسا بی‌اعتمادی به ترامپ و سیا گزینه‌های دیگر او را از مذاکره مستقیم منصرف کرده‌اند. شاید او باز هم به کانال‌های غیررسمی فکر می‌کند. کسی خبر ندارد، مسقط، بیروت یا ژنو؛ زمان و مکان ارتباط این روزها نامشخص است. مادرلین آلبرایت مدتی پیش در توییتر خود نوشته بود: «چند کانال ارتباطی بین ایران و آمریکا همواره برقرار است.»

دیدگاه کارشناس

العبادی، کانال ارتباطی است

احمد نقیبه‌زاده: برای من خیلی عجیب بود که حسن روحانی دعوت ترامپ را نپذیرفته است. این برای ایران می‌توانست یک فرصت تاریخی باشد و باعث افزایش شفافیت در سیاست خارجی ایران گردد. اگر شفافیت نباشد، ایران می‌تواند از شر ارتباط‌های پر حاشیه غیررسمی رها شود. کانال‌های سزری همواره بین ایران و آمریکا برقرار بوده است. در زمان حاضر، دیدار العبادی نخست‌وزیر عراق به‌شدت تلاش می‌کند روابط بین ایران و آمریکا را مدیریت کند؛ هر چند برخی به‌ظاهر گمان می‌کنند که اروپایی‌ها این نقش را دارند؛ اما ایران نیز ترجیح می‌دهد این ارتباط را از طریق یکی از کشورهای نزدیک به خود صورت دهد.

فرصتی که از دست رفت

مهدی مطهرنیا: اگر چنین درخواستی حقیقت داشته باشد، فرصت است و نه تهدید. در جهان مدرن، عدم ارتباط با رهبران قدرتمند، حتی اگر آنها دشمن ما باشند، پذیرفتنی نیست. حتی پدربزرگ ما با کافر دیدار و نشست داشتند و گاهی با نمایندگان رؤسای قبایل نیز دیدار می‌کرد. پس این سنت حسنه‌ای است، حتی در زمان جنگ نیز نباید فرصت مذاکره را از دست داد؛ زیرا مذاکره به معنای ضعف نیست. به نظر می‌رسد، حسن روحانی از پیامدهای این ارتباط نگران بوده است، اما این نگرانی نباید باعث دوری از دیپلماسی گردد. به نظر فرصتی بود که از دست رفته؛ باید برای آینده تصمیم‌گیری کنیم.